

# تأثیر جنگ جهانی دوم بر وضعیت بهداشتی مردم

بهروز طیرانی

نمود. در این جا ابتدا وضعیت کشور را از لحاظ شیوع امراض تشریح می‌کنیم، سپس به ذکر دلایل تشدید این مصیبت به سبب حضور نیروهای بیگانه و ... می‌پردازیم.

الف: در طول سالهای مورد بحث بیماریهای مهلک و خانمان‌سوزی همچون تیفوس، حصبه و چند بیماری دیگر، به طور گسترده، در کشور شیوع پیدا کرد و بسیاری را به کام مرگ و نیستی کشانید. علی‌اصغر حکمت، وزیر بهداشتی وقت، در ۲۲ فروردین ۱۳۲۱ یعنی تقریباً ۶ ماه پس از اشغال ایران در نامه‌ای به نخست‌وزیر نوشت: «نظر به اینکه بعضی از بیماریهای واگیری عفونی مانند تیفوس بیم آن می‌رفت بیش از معمول سنواتی اشاعه باید وزارت بهداشتی لازم دید که به یک رشته اقدامات احتیاطیه دست بزند» وی در ادامه به اقدامات انجام شده اشاره کرده و خواستار کمک و مساعدت دولت از اقدامات وزارت بهداشتی در این زمینه شده و می‌نویسد: «البته موفقیت کامل در این اقدامات منوط مساعدت خاصی است که از طرف دولت باید نسبت به بهداشتی به عمل آید و از حیث اعطاء اعتبارات اضافی و دادن اختیارات، والا با وسایل قلیلی که وزارت بهداشتی فعلاً در دسترس خود دارد اگر دامنه اینگونه امراض توسعه باید مبارزه قطعی مشکل خواهد بود.»<sup>(۱)</sup>

متعاقب این نامه وی در روز بعد نامه دیگری به نخست‌وزیر نوشته و بار دیگر خطر شیوع امراض مسری را یادآور شده است: «اکنون متأسفانه بیماری تیفوس ... در این اواخر شیوع پیدا کرده و محتمل است که تا آخر زمستان بر شدت آن بیافزاید، و همچنین احتمال قوی می‌رود که بسیاری از امراض واگیری دیگر، مانند طاعون و وبا و غیره، خدای نخواسته در نتیجه

سحرگاه سوم شهریور ۱۳۲۰ کشور ما از شرق، جنوب و شمال مورد هجوم نیروهای ارتش انگلستان و شوروی قرار گرفت، و در ظرف مدت کمی تمامی کشور تحت اشغال نیروهای اشغالگر که پس از چندی نیروهای آمریکایی نیز به آنها پیوستند قرار گرفت. حضور نیروهای اشغالگر از یک سو، و در اختیار گرفتن امکانات کشور، و ایجاد کمبودهای ناشی از جنگ، جملگی سبب شد تا رنجها و محرومیت‌های مردم ستم‌دیده، بیش از پیش، فزونی یابد. در این مقاله گوشه‌هایی از ستم‌دیدی و رنج مردم محروم مهنمان در خلال سالهای مذکور مورد بررسی و کنکاش قرار گرفته است.

موضوع این مقاله، شیوع امراض عمومی در طول سالهای اشغال ایران یعنی سالهای ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۴ و عوارض و دلایل آن می‌باشد.

مسئله بهداشت عمومی و شیوع امراض عمومی در کشور ما از دیرباز یکی از مسایل مهم و عمده به شمار می‌رفته است و مرگ و میر بر اثر ابتلا به بیماری‌های واگیر موضوع تازه‌ای برای ساکنین این مرزوبوم به شمار نمی‌رود. هراز چند گاهی شیوع امراض مسری خطرناک همچون وبا و ... جان تعداد زیادی از مردم این مرزوبوم را گرفته و آنان را به کام مرگ کشانده است. وضعیت نامناسب بهداشتی، پائین بودن سطح فرهنگ عمومی، عدم وجود پزشک و دارو به میزان کافی و ... از دلایل اصلی این معضل به شمار می‌رفت. مردم نیز خاطره‌هایی از ویای عمومی و آبله و ... در اذهان داشتند. بزرگترها همواره آن خاطرات را برای فرزندان خود نقل می‌کردند. در چنین وضعیتی طبیعی است که بروز یک حادثه غیر مترقبه، نظیر جنگ و اشغال کشور و سرازیر شدن نیروهای نظامی به داخل کشور از یک سو و ظهور آوارگان جنگی از سوی دیگر، این مسئله را تشدید



آمد و شد غیر محدود مسافری بیگانه در همسایگی کشور ما بروز نماید و بواسطه کمی آذوقه و خواربار که قهرماً مستلزم ضعف بنیه افراد و عدم مقاومت آنها در برابر هر گونه بیماریهاست بر اشتداد آنها افزوده شود.<sup>(۲)</sup>

علیرغم آنکه وزارت بهداری به فوریت دست به کار شد و اقداماتی را برای مقابله با شیوع بیماریها انجام داد، ولی امراض مری به شدت و با سرعت در سراسر کشور گسترش رفت. مهمترین بیماری در این دوره که تلفات بسیاری از مردم گرفت تیفوس و تیفوئید بود. «از جمله بیماری‌هایی که در دوران اشغال ایران خیلی زود همه گیر شد و بسیاری از مردم به آن مبتلا شدند بیماری تیفوس بود. این بیماری که تلفات سنگینی با خود داشت جمع کثیری از هموطنان ما بخصوص جوانان و نوجوانان را از زندگی محروم ساخت.»<sup>(۳)</sup>

اولین گزارش در مورد شیوع بیماری تیفوس که در دسترس است، به تاریخ ۲۵ فروردین سال ۱۳۲۱، مربوط به شهر زنجان است. این در حالی است که بر طبق شواهد موجود، و از جمله نامه «حکمت» به نخست‌وزیر که در پیش ذکر شد، در فروردین سال ۱۳۲۱، خطر شیوع تیفوس به اندازه‌های جدی بوده است که وزیر بهداری اقدامات چندی از جمله تشکیل کمیته ویژه به منظور جلوگیری از اشاعه این بیماری و ... انجام داده بود. ولی به هر صورت اولین گزارش موجود مربوط به زنجان است. در بخشی از این گزارش آمده است: «وزارت کشور، پیرو [تلگراف] ۱۱۴ در اثر تقاضای بهداری، با وفور تیفوس و سایر امراض با فرمانده ... مذاکره، حاضر شدند دو گاراژ خارج از شهر را به اداره اجاره و تحویل بیمارستان، و اگذار بهداری شود ... ساکنین شهر در خطر»<sup>(۴)</sup>.

از این تاریخ تا آبان ۱۳۲۳ بیش از بیست گزارش، از شهرهای مختلف کشور، درباره شیوع تیفوس در میان اسناد موجود وجود دارد. پاره‌ای از این گزارشها، گزارشهای مقامات محلی اعم از فرماندار و ... و پاره‌ای از آنها نیز تلگرافات و نامه‌های افراد و ساکنین محلی است. به چند نمونه از اسناد موجود در این خصوص اشاره می‌شود. نخستین آنها تلگرافی است از گرگان رود: «وزارت بهداری، برابر گزارش تلگرافی ۲۱/۱/۲۳ گرگان رود بیماری تیفوس و تیفوئید در شمال گرگان رود شیوع یافته اغلب مبتلایان فوت می‌نمایند ...»<sup>(۵)</sup>.

در اسفند ۱۳۲۱، گزارشی درباره شیوع تیفوس و تیفوئید در کرمان به آگاهی مقامات رسید. طبق معمول نخست‌وزیر طی نامه‌ای از وزیر خواستار رسیدگی شد: «برابر گزارش تلگرافی ۲۱/۱۲/۱۳ کرمان بیماری تیفوس و تیفوئید در آنجا روبه ازدیاد گذشته و به واسطه نبودن دارو اهالی نگرانند. نخست‌وزیر.»<sup>(۶)</sup>

در سال ۲۱ همچنین گزارشهای دیگری از دامغان، هرسین و بروجرد در این خصوص وجود دارد. در فروردین سال ۱۳۲۲ وزیر کشور، طی

نامه‌ای به نخست‌وزیر، از شیوع تیفوس و حصه در چندین شهر کشور ما را با خبر می‌کند. در این نامه آمده است: «گزارشهای تلگرافی که در این چند روزه به وزارت کشور رسیده است حاکی است که بیماری تیفوس و حصه در بعضی از شهرستانها، از قبیل بوشهر و بندرلنگه و عباسی و کاشان و اراک و شاهرود، شیوع یافته و تلفاتی هم داده است ...»<sup>(۷)</sup>.

در طول سال ۱۳۲۲، گزارشهای دیگری نیز از بندر دیلم و آذربایجان شرقی، دزفول و بندرعباس در این خصوص در دست است. در اردیبهشت ۱۳۲۳ بار دیگر وزیر کشور از شیوع گسترده این بیماری، طی نامه‌ای به نخست‌وزیر سخن گفته است. در بخشی از این نامه آمده است: «چندی است که تلگرافات و نامه‌های متعددی از طرف اهالی بخشها به وزارت کشور می‌رسد که همگی حاکی از شیوع مرض تیفوس و تیفوئید و آبله و از نبودن دارو و نداشتن پزشک شکایت می‌نمایند و صحت شکایات آنها نیز اغلب به وسیله فرمانداران و بخشداران تأیید می‌گردد.»<sup>(۸)</sup>

علاوه بر اینها گزارشهای دیگری از نقاط مختلف استان مازندران و از جمله شهرهای ساری و چالوس، بندرعباس، رفسنجان، خاش، سقز و ... در دست است که از میان آنها به یک گزارش درخصوص گسترش تیفوس و حصه در غرب کشور اشاره می‌شود: «... گزارش افسر اعزامی به جوانرود حاکی است که در آن حدود مرض تیفوس و تیفوئید شروع به قتل عام فجیعی را نموده و چون در آن منطقه پزشک و بهداری وجود ندارد چنانچه به زودی فکر عاجلی برای از بین بردن این امراض نشود کلیه اهالی از بین خواهند رفت ...»<sup>(۹)</sup> به هر صورت این شیوع گسترده در حالی صورت گرفت که چندی پیش از آن یعنی در مردادماه خطر شیوع آن از سوی وزیر بهداری وقت به آگاهی نخست‌وزیر و هیأت دولت رسیده بود: «بیماری تیفوس با وجودی که هوا گرم است و هنوز در شهر وجود دارد و فعلاً عده زیادی بیماران مبتلا به بیماریهای واگیر در بیمارستان بستری می‌باشند ... به طوری که وضعیت فعلی نشان می‌دهد بیماری تیفوس در تابستان هم دوام خواهد داشت، و از اول پائیز تصور می‌رود مانند سال گذشته بتدریج به صورت اپیدمی درآید.»<sup>(۱۰)</sup>

دامنه شیوع تیفوس به سال ۱۳۲۴ نیز کشیده شد، ولی گستره آن طبق اطلاعات موجود بسیار محدود شده بود.

بیماری مهلک دیگر چنانکه گفته شد حصه یا تیفوئید بود. درخصوص این بیماری نیز گزارشهای متعددی موجود است که از خلال آنها می‌توان به گستردگی آن و تلفاتی که بر مردم وارد ساخته است پی برد. گزارشهای موجود از جمله به بروز این بیماری در شهرهای بناب (اردیبهشت ۱۳۲۱)، سقز (اردیبهشت تا تیر ۱۳۲۱)، زرنند ساوه (اردیبهشت ۲۱)، شهرهای مختلف خراسان در سراسر سال ۲۱، گرگان رود (بهمن ۲۱)، الیگودرز (مرداد ۲۱)، کرمان (اسفند ۲۱)، ساری و بندرعباس (خرداد ۲۳)، جوانرود (آبان ۱۳۲۳) و ... اشاره دارد.<sup>(۱۱)</sup> گزارش ذیل





تلگراف عده‌ای از اهالی دزفول درخصوص شیوع تیفوس و تیفوئید در این شهر است: «جناب آقای نخست‌وزیر ... مرض خانمانسوز تیفوئید و تیفوس به طور اپیدمی در دزفول شایع، عده زیادی مریض، حتی رئیس بهداری مبتلا، به واسطه نداشتن پزشک کافی و دارو، تلفات زیاد است ...»<sup>(۱۲)</sup> در فروردین ۱۳۲۴ نیز این بیماری در بابلسر شیوع فراوان یافته و جان اهالی را در معرض خطر جدی قرار داده بود. در تلگراف گروهی از مردم بابلسر به وزارت بهداری در این خصوص آمده است: «... وضع بهداشت این شهر به کلی خراب است به طوری که همین دیروز فقط در یک خانوار، سه نفر به مرض تیفوئید درگذشته و این مرض در این شهر و اطرافش شایع و مردم این سرزمین را بی‌رحمانه درو می‌کند...»<sup>(۱۳)</sup>

در طول سالهای مورد بحث تلفات ناشی از بروز و شیوع این دو بیماری بسیار بود. بنابه اسناد موجود در اسفند سال ۱۳۲۱ تنها در تهران ۱۰۹ نفر بر اثر ابتلا به تیفوس و ۵۷ نفر بر اثر ابتلا به تیفوئید جان خود را از دست دادند.<sup>(۱۴)</sup> البته باید توجه داشت که این تعداد صرفاً شامل کسانی می‌شود که مرگ آنها ثبت رسیده است، و با توجه به اوضاع آن دوره که بنابه دلایل عدیده از جمله استفاده از شناسنامه متوفی به منظور دریافت کوبین اجناس آمار همه متوفیات به ثبت نمی‌رسیده است، قاعدتاً آمار از این هم

بالا تر بوده است. در فروردین سال ۱۳۲۲، رادیو برلن که صدای آن در آنکارا شنیده می‌شد، طی خبری اعلام داشت: «اخبار تهران حاکی است که مرض تیفوس در ایران به طور فوق‌العاده زیادی انتشار یافته است، و در تهران فقط روزانه ۵۰۰ نفر از این مرض تلف می‌شوند. این مرض از روسیه به ایران آمده است.»<sup>(۱۵)</sup>

در میان اسناد مربوط به درگذشتگان در ماههای مختلف سال ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ در تهران تعداد تلفات ناشی از این دو بیماری در ماههای مختلف سالهای مزبور وجود دارد. البته متأسفانه گزارش تمام ماهها و یا جمع کلی آنها در دسترس نیست، و این به آن معنا نیست که در ماههای مزبور اصلاً تلفاتی وجود نداشته است. آماری که در جدول شماره یک ارایه شده است از گزارشهای مربوطه استخراج شده است:

چنانکه یادآور شدیم این آمار تنها گوشه‌ای از واقعیات را در بردارد. در همین رابطه می‌توان به نامه عبدالحسین هژیر به ای‌دن وزیر خارجه انگلستان استناد کرد. به گفته هژیر آمار درگذشتگان بر اثر تیفوس در یک ماه به هزار نفر بالغ شده بود: «... از آن جمله مرض محرقه که به این شکل جز نادراً در ایران سابقه نداشت، و در واقع سوغاتی است که سال گذشته

**جدول شماره یک\***

\* - منبع: آمار درگذشتگان تهران در سالهای ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ - از اسناد نخست‌وزیری - شماره تنظیم ۱۲۳۰۰۸





مهاجرین لهستانی به ایران آوردند، چنانکه در تمام مملکت انتشار یافت و در خود تهران متوفیات را تا ماهی یک هزار نفر بالا برد و عاقبت در نتیجه اقداماتی که برای مبارزه با آن به عمل آمد، مرض تخفیف کلی پیدا کرد لکن بیم شیوع سخت آن در زمستان آینده هنوز باقی است» (۱۶)

برای مقابله با شیوع این دو بیماری، بویژه محرقه (تیفوس) اقدامات چندی نیز از سوی دولت و وزارت بهداشتی انجام شد که از آن جمله می‌توان به اختصاص ۵ میلیون ریال برای فراهم آوردن امکانات لازم به منظور مقابله با تیفوس و تیفوید اشاره کرد. در همین زمینه در تهران دو بیمارستان با ظرفیت یک صد و پنجاه تختخواب ایجاد گردید. یکی از این بیمارستانها در محل وزارت دارایی بود. در تاریخ ۲۵ تیر ۱۳۲۳، فروهر وزیر دارایی وقت و دکتر میلیسپو رئیس کل دارایی طی نامه مشترکی به نخست‌وزیر تقاضای انتقال بیمارستان تیفوسی به بیمارستان پانصد تختخوابی و استرداد محل وزارت دارایی را مطرح کردند ولی نخست‌وزیر به دلیل نیاز مبرم به محل مذکور جهت بستری نمودن بیماران تیفوسی با این درخواست مخالفت کرد.

همچنین از سوی وزارت بهداشتی در فروردین سال ۱۳۲۱ اقدامات ذیل در این مورد صورت گرفت:

- ۱- تشکیل یک کمیته ویژه مرکب از پزشکان و کارمندان فنی و نمایندگان چند وزارتخانه برای بررسی شیوه‌های جلوگیری از گسترش تیفوس.
- ۲- تخصیص بیمارستان روزیه برای بستری نمودن بیماران.
- ۳- ایجاد یک واحد مخصوص برای شناسایی و مجزا ساختن بیماران تیفوسی در بهداشتی.
- ۴- کنترل مرده‌شوی خانه جهت امحاء البسه درگذشتگان تیفوسی.
- ۵- کنترل نظافت اماکن عمومی.
- ۶- تهیه لباس برای تعویض لباس بیماران مبتلا.
- ۷- ایجاد حمامهای ویژه برای نظافت اشخاص بی‌بضاعت و ضدعفونی کردن لباسهای آنان.
- ۸- ایجاد واحدهای ضدعفونی به منظور ضدعفونی کردن اماکن عمومی و مراکز آلوده.
- ۹- تهیه واکسن و داروهای موردنیاز.

علاوه بر اقدامات انجام شده از سوی وزارت بهداشتی، در مهر ۱۳۲۲، انجمنی نیز به این منظور تاسیس شد: «انجمن جلوگیری از بیماری تیفوس»، ارگانی خصوصی بود که در تهران و همچنین شهرستانها اقداماتی را به انجام رسانید. در گزارش سالانه این انجمن، که در آذر ۱۳۲۳ انتشار یافت، اقدامات انجام شده انجمن در تهران و همچنین ترازنامه مالی آن برشمرده شده است. در طول مدت مزبور انجمن مبلغ دو میلیون و هشتصد هزار ریال اعانه برای فعالیت‌های خود جمع‌آوری کرد. و اقدامات ذیل را انجام داد:

- ۱- دایر کردن یک حمام با ۴۸ دوش در میدان سنگلج که در فاصله ۲۸

اسفند ۱۳۲۲ تا پایان آبان ۱۳۲۳ - سی و چهار هزار نفر مرد و زن به آن مراجعه کردند. ۲- ضدعفونی کردن ۱۰۲۸ خانه مبتلایان به تیفوس ۳- ضدعفونی کردن البسه ۲۷۶۹ و اثاثیه ۲۵۰ خانوار ۴- انتشار و توزیع ده هزار برگ اوراق تبلیغاتی برای آگاه نمودن مردم درخصوص راههای مبارزه با تیفوس.

علی‌رغم همه این اقدامات، چنانکه گفته شد، تیفوس همچنان در تمامی نقاط کشور، قربانیان زیادی گرفت. دلایل این مسئله پس از شرح مختصری راجع به شیوع سایر بیماریها توضیح داده خواهد شد.

### سایر امراض

تلفات گسترده ناشی از شیوع تیفوس و تیفوید در این دوران موجب شده است تا شیوع و تلفات ناشی از سایر امراض تحت‌الشعاع آن قرار بگیرد. از سوی دیگر شاید هم دلیل این امر آن است که شیوع سایر امراض، همچون آبله، اسهال خونی و ... ارتباط کمتری با مسئله جنگ و حضور نیروهای اشغالگر در کشور نداشته است. در اسفند سال ۱۳۲۱ چنانکه گفته شد تلفات ناشی از تیفوس ۱۰۹ نفر و تیفوید ۵۷ نفر در تهران گزارش شده است. در همین ماه تلفات ناشی از سل ۳۷ نفر، سیاه‌سرفه ۳، دیفتری، سیاه‌زخم و کزاز هر کدام یک نفر، سرخک ۱۰ نفر، آبله ۱۴ نفر و اسهال خونی ۱۹ نفر بوده است. به طوری که مشاهده می‌شود این آمارها در مقابل تیفوس فوق‌العاده کمتر است.

شیوع سایر امراض اگرچه از لحاظ دلایل گسترش با مسئله جنگ ارتباط چندانی ندارد ولی به لحاظ آنکه در آن دوران بخش عمده امکانات کشور در اختیار نیروهای اشغالگر بوده است، و این امر موجب کاستیهای بسیار در راه مبارزه و مقابله با آنها می‌شده، کاملاً مرتبط با موضوع می‌باشد. در طول سالهای موردبحث گزارشهای متعددی از شیوع امراض همچون مالاریا، آبله، دیفتری، اسهال خونی و ... در دست است. که حکایت از گستردگی امراض مزبور و تلفات ناشی از شیوع آنها می‌کند. به عنوان مثال به چند نمونه اشاره می‌شود. نخستین نمونه درباره شیوع دیفتری در شیراز است. سیف‌پور فاطمی استاندار فارس طی نامه‌ای به آقای رهنما معاون نخست‌وزیر در این خصوص می‌نویسد: «... شهر شیراز گرفتار اپیدمی حصبه و دیفتری است. با کمال تأسف [اداره] خواربار و [اداره] بهداشتی چهار ماه است اجازه نمی‌دهد دوا برای استان برسد. مردم مثل برگ خزان می‌میرند و هیچ دوا نیست. کراراً از بهداشتی تقاضا شده، هیچ نتیجه‌ای گرفته نشده...» (۱۷) و نمونه دیگر درباره شیوع بیماری دیفتری در تبریز و شهرهای اطراف آن است: «طبق گزارش بهداشتی، مرض حصبه و دیفتری در شهر و اطراف شایع، مقرر فرمایند فوراً به قدر کفایت واکسن و سرم جهت تبریز و اطراف از وزارت بهداشتی ارسال دارند» (۱۸)

مالاریا هم در آن دوران شیوع فراوانی داشته است. گزارش‌هایی از شیوع این بیماری در شهرهای استان مازندران در تیر ماه ۱۳۲۱، بیجار،





رامهرمز، رودسر، طبسین، خرم‌آباد، در ماه‌های مختلف سال ۱۳۲۱، در نواحی یزد و روانسر در سال ۱۳۲۳ و ... وجود دارد. گزارش ذیل نامه نخست‌وزیر به وزیر بهداشت درخصوص شیوع مالاریا در سفر است: «وزیر بهداشتی برابر گزارش تلگرافی ۲۱/۶/۱ سفر، بیماری‌های گوناگون مخصوصاً مالاریا در شهر و اطراف آن شیوع یافته و به واسطه نبودن بهداشتی اهالی متحمل تلفات زیادی می‌شوند...» (۱۹)

بیماران لهستانی مبتلا به امراض مختلف را می‌توان نام برد. یک نمونه از آن جمله را در ذیل نقل می‌کنیم:

«... آمار بیماران مهاجرین لهستانی اردوگاه دوشان‌تپه در روز دوشنبه ۲۱/۲/۷ به شرح زیر است: عده بیماران معاینه شده ۹۵۷ نفر. از تعداد فوق عده‌ای که پس از معالجه مرخص شده‌اند ۷ نفر، متوفی ۴ نفر، جدیدالورود ۳ نفر. از ۹۷۶ نفر بیمار ۵۸۹ نفر مبتلا به بیماری‌های ساری و ۳۸۷ نفر مبتلا به بیماری‌های غیر ساری می‌باشند. نوع بیماری‌های ساری به قرار پایین است:

- ۱- تیغوس اگزانتاماتیک و مشکوک ۴۲۵ نفر - ۲- تیغوئید ۱۷ نفر،
- ۳- مخملک ۳۱ نفر، ۴- سرخجه ۳۵ نفر، ۵- اورسیون ۱۸ نفر، ۶- اسهال خونی ۲۴ نفر، ۷- مسلول ۲۴ نفر» (۲۱)

اسیران لهستانی در تهران در اردوگاه‌های مخصوصی جای داده شده بودند، ولی به لحاظ ارتباطاتی که، علی‌رغم ممنوعیت‌های موجود، با خارج از اردوگاه ایجاد می‌کردند، عامل مهمی در شیوع بیماری‌های مختلف، بویژه تیغوس و امراض مقاربتی به شمار می‌رفتند. اسیران لهستانی نه تنها موجب ابتلای ایرانی‌ها به این امراض می‌شدند، بلکه سربازان متفقین نیز به دلیل ارتباط با آنان به این بیماری‌ها دچار می‌شدند. در این رابطه می‌توان به گوشه‌ای از خاطرات «شولسه هولتوس» جاسوس دولت آلمان در دوران جنگ در ایران اشاره کرد. این جاسوس در تشریح فعالیت‌های خود می‌نویسد که در آن دوران چند روزی در منزل سرگرد اسفندیاری، که از افسران شهربانی بود، به سر برده و در همان زمان سرگرد اسفندیاری موضوع ملاقات خود را با یکی از افسران انگلیسی برای وی چنین نقل کرده است: «(اسفندیاری) ... گفت: امروز موضوع جالبی اتفاق افتاد. یک افسر انگلیسی پیش من آمده بود تا درباره شرایط ایجاد قرنطینه نظامی برای لهستانی‌ها با من صحبت کند. او به من گفت شما می‌دانید که لهستانی‌ها طبق ماده ۳۹ اسیر و زندانی ما و روس‌ها شده‌اند. اکنون آنها را به تهران آوردند ... حال آنکه آنها در بازار و کافه‌ها و اماکن عمومی می‌نشینند و چیزهای ناخوشایندی در مورد وقایع و بلاهاتی که در سبیری بر سرشان آمده می‌گویند، و حالا این ترس وجود دارد که امراض شایع میان لهستانی‌ها به تهرانی‌ها نیز سرایت کند. من در حالی که تجاها می‌کردم از آن افسر انگلیسی پرسیدم این کار به چه ترتیب امکان دارد؟ مگر آنها در قرنطینه نبوده‌اند، و ۳ بار واکسینه نشده‌اند؟ افسر انگلیسی سرخ و سفید شد و تته‌پته‌کنان گفت به هر حال من که مبتلا شده‌ام...» (۲۲) بجز تیغوس که در آن سالها تعداد زیادی از هموطنان ما را به کام مرگ کشانید، امراض مقاربتی نیز تا سالها به بلاتی برای مردم تبدیل شده و تا سالها بعد از جنگ نیز شیوع داشت.

#### ب- اشغال بیمارستانها و استفاده از امکانات درمانی

در ارتباط با اشغال بیمارستانها و اماکن درمانی توسط نیروهای

#### دلایل گسترش و شیوع بیماری‌ها

در خلال سطور پیشین تصویری، گرچه ناقص، از وضعیت شیوع بیماری‌ها در سالهای مورد بحث ارائه شد. در ادامه سعی بر آن داریم تا ارتباط این مسئله را با موضوع حضور نیروهای خارجی در کشور، تا حد امکان، مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. البته ناگفته روشن است که نفس حضور یک نیروی صرفاً مصرف‌کننده و غیرمولد در هر جامعه‌ای موجب بروز گرفتاری‌هایی برای آن جامعه می‌گردد. علاوه بر آن چون نیروهای نظامی متفقین خاک ما را در اشغال خود داشتند لاجرم، خواه و ناخواه رفتار آنان با مردم مارتاری دوستانه و انسانی نبود. لهذا آنان علاوه بر آنکه با خود بیماری‌های مختلفی را به ارمغان آوردند، به دلیل در اختیار گرفتن زمام امور کشور و تسلط بر امکانات گوناگون، امکان مبارزه همه جانبه و در حد مقدور با شیوع بیماری‌ها را نیز از ما سلب کردند. در نامه هژبر به ایدن که بخشی از آن در پیش آمد به این مسئله اشاره شده است، هژبر می‌نویسد: «تدابیری که معمولاً عموم ممالک برای حفظ سلامت مردم و رفع امراض عمومی به کار می‌برند در ایران به سبب عسرت مالی چندان وسعتی ندارد. با این وجود وقتی که در نتیجه گرسنگی و قحطی مردم دچار ضعف بنیه و امراض مختلف بشوند و امراض دیگری هم که اختصاصاً در ایام جنگ شیوع پیدا می‌کند بر آنچه از سابق بوده است مزید شود گرفتاری سختی برای مردم پدید می‌آید.» (۲۰) در اینجا به پاره‌ای دلایل شیوع بیماری‌ها و عللی که موجب عدم امکان مقابله مناسب با آنها شده است اشارتی می‌کنیم:

#### الف - حضور نیروهای اشغالگر و اسیران لهستانی

یکی از دلایل شیوع و گسترش بیماری‌ها واگیر در طول سالهای مورد بحث حضور سربازان قوای اشغالگر، که از میدانهای جنگ در اروپا و سایر نقاط به ایران آمده بودند، و همچنین تعداد زیادی اسیر لهستانی که از زندانهای شوروی به ایران منتقل شده بودند، بود. در این خصوص چنانکه اشاره شد هژبر نیز در نامه خود به این موضوع اشاره کرده است. در مجموعه اسناد وزارت کشور، که در سازمان اسناد ملی ایران نگاهداری می‌شود، پرونده‌ای وجود دارد که حاوی ۸۷ برگ می‌باشد. در این مجموعه آمار و گزارشهای بسیار مهمی وجود دارد که از آن جمله آمار روزانه تعداد



جنگ در دست می‌باشد. (۲۹)

کار اشغال بیمارستانها و استفاده از امکانات و تسهیلاتی که در این گونه اماکن مورد نیاز شدید بیماران ایرانی بود، کمابیش تا پایان جنگ ادامه داشت، گرچه در سالهای پایانی جنگ اوضاع کمی بهبود یافت.

### ج - کمیود دارو

یکی دیگر از عوارض جنگ که به سرعت در کشور پدید آمد مسئله کمبود و گرانی شدید دارو بود. روزنامه اطلاعات در ۲۵ آذر ۱۳۲۰ طی مقاله‌ای با عنوان «دارو و بیماران» در این خصوص نوشت: «... از آن جمله بهای داروها، بویژه داروهای اختصاصی، بطور حیرت‌انگیزی ترقی نموده و از این رهگذر مردم دچار نگرانی و اضطراب فراوانی شده‌اند...» (۳۰)

در آن آشفته بازار، دلالان و سودجویان نیز از فرصت سوءاستفاده می‌کردند و با احتکار دارو، این وسیله حیاتی را بیش از پیش از دسترس مردم دور می‌ساختند. این مسئله موجب شد تا باقر کاظمی، وزیر بهداشتی وقت، لزوم مبارزه جدی با احتکار دارو را در مصاحبه‌های مطبوعاتی خاطر نشان سازد. (۳۱)

در همین زمینه گزارشات متعددی در میان اسناد موجود دیده می‌شود. پاره‌ای از شهرهایی که در این خصوص گزارش‌هایی از آنها در دسترس است عبارتند از: آوه (۲۱/۱/۲۵)، قروه (۲۱/۱/۲۳)، مشکین شهر (۲۱/۷/۵)، تالش (۲۱/۱/۲۰)، آمل، نوشهر، چالوس (۱۳۲۱)، پل سفید (۲۱/۹/۱۳)، جاسک (۲۰/۹/۱۲)، گیلان غرب (۲۱/۷/۹)، مبارکه، لنجان (۲۳/۱۱/۱۶)، خاش (۲۳/۳/۱۵) زابل (۲۲/۹/۲۳)، کهنوج (۲۲/۸/۲۵) و... که نقل همه آنها موجب اطاله کلام می‌شود. در اینجا دو نمونه از گزارشهای موجود نقل می‌شوند:

«گیلان غرب شب ۲۱/۷/۹ علاوه بر اینکه آمپول و ادویه به کلی نایاب است مدتی است متصدی بهداشتی محل را ترک کرده و بیشتر اهالی و مامورین دولتی مریض و در مضیقه هستند.» (۳۲) گزارش دیگر مربوط به منطقه شادگان است: «ریاست وزرا ... مرض تیفوئید با تیفوس یا حصبه در حوزه شادگان شیوع، روزانه تلفات قابل توجهی می‌دهند ... یک نفر پزشک در منطقه شصت هزار نفری شادگان با نداشتن آمپول و سرم و دوا و بالاخره فاقد همه گونه وسایل چه می‌تواند بکند. جان عموم در خطر، استدعای عاجل، [دستور] فرمایید در ارسال دارو و کمکهای لازمه به بهداشتی شادگان برای جلوگیری از این وضع خطرناک داریم.» (۳۳)

این وضع تنها منحصر به شهرهای کوچک و مناطق دورافتاده نبود. بلکه در شهرهای بزرگ نیز وضعیت به همین ترتیب بود. گزارش ذیل نامه رییس کمیته مشترک تدارکات متفقین به وزیر بهداشتی است که، با اشاره به نامه کنسولگری انگلیس در شیراز، وضعیت دارو در شهر شیراز را چنین ترسیم کرده است: «بعضی حقایق راجع به ذخیره دواجات شیراز در حال حاضر: ۱. در ناحیه شیراز دواجات فوق‌العاده کمیابست. ۲. اشخاصی که

اشغالگر، بویژه ارتش شوروی، اطلاعات قابل توجهی در دست است. اشغال بیمارستانها و استفاده از امکانات موجود در آنها در حالی که کشور از این لحاظ به طور کلی یا کمبود مواجه بود بویژه در شهرستانها موجب شد تا آمار تلفات مردمی که با بیماریهای مختلف دست به گریبان بودند افزایش یابد. از آنجا که، در مناطق تحت سلطه، این نیروها فعال مایشاء بودند لهذا هر آنچه که مورد نیازشان بود را به تملک خود درمی‌آوردند. گزارش ذیل مربوط به اشغال بیمارستان زنجان توسط نیروهای شوروی است: «اداره فرمانداری زنجان، احتیاج مبرم و زیاده از حد اهالی شهرستان زنجان ... استفاده از بیمارستان را ایجاب می‌کند، ولی چون فعلاً بیمارستان در تصرف همسایگان شمالی است، لذا مستدعی است از مجرای وزارت خارجه برای استرداد آن اقدام فرمایید.» (۲۳) ولی چون اقدامات انجام شده به نتیجه نرسید سرانجام کار بر این شد که دو گاراز را به منظور بستری نمودن بیماران زنجان اختصاص دهند. (۲۴)

این موضوع، چنانچه از خلال اسناد موجود برمی‌آید، در شهرستانهای ماکو، سمنان، نوشهر و ساری و ... نیز اتفاق افتاده بود. گزارش ذیل مربوط به شهرستانهای استان مازندران است: «استانداری مازندران: وزارت بهداشتی به استناد و گزارش بهداشتی مازندران اطلاع می‌دهد که از طرف فرمانداری‌ها به بخشداری هر شهر دستور داده شده است که از بیمارستان هر شهری چند اطاق تخلیه و جهت مطب ارتش سرخ اختصاص داده شود. نظر به اینکه انجام این امر از لحاظ تنگی مکان و با توجه به اینکه تا حال قسمتها (نی) از بیمارستانها به نیروی شوروی واگذار شده است برای وزارت بهداشتی خالی از اشکال نیست...» (۲۵)

نیروهای شوروی به این هم قانع نشدند و در شهر ساری تقاضای واگذاری تمام بیمارستان را مطرح کردند: «طبق گزارش استانداری شمال اخیراً مقامات مربوطه نیروی شوروی تقاضا دارند تمام بیمارستان ساری که قسمتی از آن در اختیار نیروی سرخ است و قسمتی هم در اختیار بهداشتی و مخصوص معالجه بیماریهای مسری می‌باشد به آنها واگذار شود. از طرف استانداری ... تذکر داده شد که در ساری محل دیگری برای نگاهداری و معالجه بیماران بی‌بضاعت نیست لیکن شوروی‌ها قانع نشده مصراً همین محل را خواستار می‌باشند...» (۲۶)

روسها علاوه بر اشغال بیمارستانها، امکانات موجود در بخشهای متعلق به ایرانیها را نیز تصرف کردند که گزارش ذیل مربوط به بیمارستان شاهی است: «... بعلاوه ساختمان‌هایی که در دست ماست هر روزه دستگیره و قفل آنها باز نموده و هر چه احتیاج دارند ... می‌برند و مقدار زیادی چوب و غیره را برای ساختمانهای موقتی خود یا سوزاندن مصرف می‌کنند...» (۲۷)

در مورد نیروهای انگلیسی اطلاعات کمتری در میان اسناد وجود دارد. تنها دو گزارش، یکی در ارتباط با اشغال یک بیمارستان در شاه‌آباد غرب جهت اسکان ۴۰۰ سرباز هندی در آذرماه ۱۳۲۰، (۲۸) و دیگری درباره استفاده نیروهای اشغالگر از امکانات درمانی بیمارستان اهواز در اوایل



به امراض مقاربتی مبتلا شده‌اند و دسترس به هیچ قسم دواجات لازمه ندارند. ۳- هرگونه واکنس و سرم تازه کمیاب است. ۴- مقدار داروهای کهنه که در دسترس می‌باشد خیلی محدود و به قیمت‌های خیلی زیاد به فروش می‌رسد.<sup>(۳۴)</sup> چنانچه توضیح داده شد تعداد زیادی از این گزارشها، در مورد تمامی شهرهای کشور در اسناد مزبور یافت می‌شود.

به هر صورت با توجه به وضعیت مزبور و خطرات ناشی از کمبود دارو که جان هزاران انسان را در معرض تهدید قرار داده بود، و با توجه به تبلیغاتی که توسط روزنامه‌ها در این زمینه به عمل می‌آمد، مقدار محدودی دارو توسط آمریکا به ایران تحویل گردید، ولی این مقدار به هیچ وجه تکافی نیازهای داخلی را نمی‌کرد. بخش اندکی از آن صرف رفع نیاز بیماران شهرستانی شد. گزارش ذیل بخشی از این واقعیت را بازگو می‌کند: «جناب آقای نخست‌وزیر: ... از یک میلیون دز سفارش ابتدایی وزارت بهداشتی به آمریکا، که بعداً نظر به پاره‌ای محظورات به سیصد هزار دز تقلیل داده شد، فقط تاکنون پانزده هزار دز تحویل شده ... و به مقادیر خیلی کم شهرستانها ارسال گردیده است ...»<sup>(۳۵)</sup>

علاوه بر آمریکا، دولت، در این زمینه، از انگلستان نیز درخواست کمک نموده بود. در نامه «هزیر» به «ایدن» در این مورد می‌خوانیم: «... با این وصف اگر توجه عاجلی به ارسال مقدار کافی دوا به ایران نشود از این رهگذر هم جان مردم سخت در معرض خطر است، و دولت ایران قطع دارد عاطفه ملت انگلستان و آمریکا ... فکری در این خصوص خواهند کرد...»<sup>(۳۶)</sup> ولی مشکل همچنان ادامه داشت، و کمبود و گرانی و احتکار دارو تا پایان جنگ ادامه یافت. دولت برای مقابله با سودجویان و احتکارگران دارو، واردات و توزیع را در انحصار خود قرار داد و حتی سفارشهای بخش خصوصی را که پیش از تصویب قانون انحصار دارو در دست دولت انجام شده بود بدون جواب گذاشت.

هزیر در نامه به ایدن درباره گرانی دارو، چنین می‌نویسد: «کار نایابی و گرانی دوا به جانی رسیده که نه تنها مردم بی‌بضاعت نمی‌توانند بخرند و اغلب از مرض می‌میرند، بلکه مردم صاحب سرمایه نیز از خرید آن عاجز مانده‌اند. مثلاً قیمت یک دانه آمپول که سابقاً یک شیلینگ بود به یک لیره و پنج شیلینگ و یک جعبه قرص که سابقاً سه شیلینگ بود به یک لیره و نیم رسیده است.»<sup>(۳۷)</sup> و بدین ترتیب مرگ و میر ناشی از شیوع بیماریها که با کمبود دارو و تصرف و بهره‌برداری از امکانات درمانی تشدید می‌شد تنها یکی از ارمغانهای سپاهیان آزادیخواه متفقین برای ساکنان این سرزمین بود! سرزمینی که گرچه برای متفقین بل پیروزی لقب گرفت ولی، در عین حال، نظاره‌گر مرگ فرزندان و صاحبان اصلی خود بود.

### پی‌نوشت‌ها:

- از اسناد مجموعه نخست‌وزیری شماره تنظیم: ۱۱۱۰۰۳-۲۷۸
- ۲- علی اصغر حکمت به نخست‌وزیر - به تاریخ ۱۳۲۱/۱/۲۳ و شماره ۲۶۹۳، از اسناد مجموعه نخست‌وزیری شماره تنظیم: ۱۱۱۰۰۳-۲۷۸
- ۳- حسین مکی - تاریخ بیست ساله ایران - ج ۸ - ص ۴۲۹.
- ۴- تلگراف به وزارت کشور - از اسناد وزارت کشور ۲۹۳۰۰۱، شماره میکروفیلم ۱۱۳۰۰۱۴/۱۲
- ۵- نقل گزارش تلگرافی توسط دفتر نخست‌وزیر به وزارت بهداشتی به تاریخ ۱۳۲۱/۱۱/۲۷ از اسناد نخست‌وزیری، شماره تنظیم: ۱۱۱۰۰۳-۲۴۹
- ۶- نخست‌وزیر به وزیر بهداشتی - نامه شماره ۱۱۵۲۷، مورخ ۲۱/۱۲/۱۷ - شماره تنظیم: ۱۱۱۰۰۳-۲۶۲
- ۷- وزیر کشور به نخست‌وزیر، نامه شماره ۳۴۳۷/د مورخ ۱۳۲۲/۱/۲۲، شماره تنظیم ۱۱۱۰۰۳-۲۹۵
- ۸- وزیر کشور به نخست‌وزیر - نامه شماره ۱۰۴۸۷/۴/۳۸۸، مورخ ۱۳۲۲/۲/۲۴ - شماره تنظیم: ۱۱۱۰۰۳-۲۲۵
- ۹- سر‌تیب مستدر کفیل وزارت جنگ به نخست‌وزیر، نامه شماره ۲۳/۵/۱۵ مورخ ۲۶۵-۳/۶۵۴۲۵ مورخ ۲۳/۸/۸ شماره تنظیم: ۱۱۱۰۰۳-۳۲۷
- ۱۰- وزیر بهداشتی به نخست‌وزیر، نامه شماره ۲۰۱۱۶ - مورخ ۲۳/۵/۱۵ - شماره تنظیم: ۱۱۱۰۰۳-۲۹۴
- ۱۱- گزارش‌های مزبور را می‌توان از جمله در اسناد مجموعه نخست‌وزیری که در سازمان اسناد ملی ایران نگهداری می‌شود ذیل شماره تنظیم ۱۱۱۰۰۳ - پاکت‌های ۲۴۵، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۳، ۲۷۵، ۲۷۷، ۳۰۶، ۳۱۶، ۳۲۷ مشاهده کرد.
- ۱۲- تلگراف چند تن از اهالی دزفول به نخست‌وزیر - مورخ ۲۸ فروردین ۱۳۲۲، شماره تنظیم ۱۱۱۰۰۳-۲۸۲
- ۱۳- تلگراف گروهی از اهالی بابلر به وزارت بهداشتی - شماره ۶۷، مورخ ۱۳۲۴/۱/۲۳، شماره تنظیم: ۱۱۱۰۰۳-۳۳۰
- ۱۴- آمار درگذشتگان تهران در اسفند ۱۳۲۱ - از اسناد سری نخست‌وزیری موجود در آرشیو سازمان اسناد ملی ایران - شماره تنظیم ۱۲۳۰۱۸
- ۱۵- متن پیاده شده خبر رادیو برلن توسط اداره کل انتشارات و تبلیغات موجود در اسناد مجموعه نخست‌وزیری - شماره تنظیم: ۱۱۱۰۰۳-۲۹۵
- ۱۶- نامه هزیر به ایدن - به نقل از، درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم (انتشارات مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی - تهران ۱۳۵۶) صص ۲۵۸-۲۵۷
- ۱۷- سیف‌پور فاطمی به رهنما معاون نخست‌وزیر - شماره تلگراف ۲۷۴، مورخ ۲۲/۱/۱۸، شماره تنظیم: ۱۱۱۰۰۳-۲۸۸
- ۱۸- سرلشگر مقدم استاندار آذربایجان غربی و شرقی به نخست‌وزیر - نامه شماره ۲۷۱۷۳ اسفند ۱۳۲۱، شماره تنظیم: ۱۱۱۰۰۳-۲۸۱
- ۱۹- نخست‌وزیر به وزیر بهداشتی - نامه شماره ۲۴۷۶، مورخ ۲۱/۶/۳، شماره تنظیم ۱۱۱۰۰۳-۲۶۵
- ۲۰- نامه هزیر به ایدن - به نقل از «درباره سوم شهریور و ...» ص ۲۵۷

۱- علی اصغر حکمت به نخست‌وزیر - به تاریخ ۱۳۲۱/۱/۲۲ و شماره ۲۴۹۴






- ۲۱ - وزیر بهداشتی به وزارت کشور - نامه شماره ۶۵۶۹، مورخ ۱۳۲۱/۲/۱۳، شماره تنظیم: ۲۹۳۰۰۰ - شماره میکروفیلم ۰۰۲۵۰۱۱۲
- ۲۲ - شوشه هوتوس - سیده دم در ایران - خاطرات شوشه هوتوس جاسوس آلمان در ایران در جنگ دوم جهانی - ترجمه مهرداد اهری (نشر نو - تهران ۱۳۶۶) ص ۱۳۵
- ۲۳ - مجموعه اسناد وزارت کشور، شماره تنظیم: ۲۹۳۰۰۰ - شماره میکروفیلم ۰۰۱۳۰۰۰۴
- ۲۴ - همان منبع
- ۲۵ - وزیر کشور به استاندار مازندران - مجموعه اسناد وزارت کشور به شماره تنظیم ۲۹۳۰۰۰ - شماره میکروفیلم ۰۰۲۵۰۱۱۶۶
- ۲۶ - وزیر کشور به وزیر امور خارجه - مورخ ۲۱/۸/۹ از مجموعه اسناد وزارت کشور - شماره تنظیم ۲۹۳۰۰۰ - شماره میکروفیلم ۰۰۲۵۰۱۱۶۶
- ۲۷ - معاون اداری بهداشتی ساری به وزارت بهداشتی - نامه شماره ۵۵۹۴ - مورخ ۲۰/۹/۳، شماره تنظیم ۱۱۱۰۰۴-۴۵۹
- ۲۸ - اسناد نخست وزیری - شماره تنظیم ۱۱۱۰۰۴-۴۵۲
- ۲۹ - اسناد مجموعه نخست وزیری - شماره تنظیم ۱۱۱۰۰۴-۴۶۰
- ۳۰ - اطلاعات ۲۵ آذر ۱۳۲۰ - شماره ۴۷۳۹
- ۳۱ - اطلاعات ۲ بهمن ۱۳۲۰ - شماره ۴۷۷۵
- ۳۲ - گزارش تلگرافی از گیلان غرب به تاریخ ۲۱/۷/۹ - اسناد نخست وزیری - شماره تنظیم ۱۱۱۰۰۳-۲۶۵
- ۳۳ - تلگراف اهالی شادگان به نخست وزیر، شماره ۸ - مورخ ۵ اردیبهشت ۱۳۲۳، اسناد نخست وزیری، شماره تنظیم ۱۱۱۰۰۳-۳۰۲
- ۳۴ - رونوشت نامه رئیس کمیته مجریه از طرف کمیته مشترک تدارکات به تاریخ ۲۴ بهمن ۱۳۲۱ - شماره نامه قید نشده است. اسناد نخست وزیری - شماره تنظیم ۱۱۱۰۰۳-۲۹۵
- ۳۵ - وزیر بهداشتی به نخست وزیر - نامه شماره ۸۶۵۹ - مورخ ۱۳۲۲/۴/۲ - اسناد نخست وزیری - شماره تنظیم ۱۱۱۰۰۳-۲۹۵
- ۳۶ - نامه هژیر به آیدن - همان منبع ص ۲۵۸
- ۳۷ - همان منبع



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





  
 وزارت پست و تلگراف و تلفن  
 کاترانی

شماره کتاب: ۱۰۹  
 تاریخ: ۱۳۲۰  
 شماره تلگراف: ۸

نام گیرنده	تاریخ وصول		توضیحات	تاریخ امداد	معدکات	ارشاد کافکاره
	روز	ماه				شماره تلگراف
	۲	۷		۵	۱۵۳	۸

ریاست وزراء رونوشت وزارت بهداشت اری و نوشت ریاست مجلس شورای ملی رونوشت

آقای نقابت عرض نیفولید یا تیفسوس یا حسبه در حوزه نادرگان شیوع روزانه تلفات قابل توجهی می دهند هر روز هر تعداد تلفات افزوده و به نقاط دیگری سرایت اگر وضعیت همین طور بماند امید ی بحیات بقیه مردم نیست یکتفر پزشکی در منطقه

نصبت هزار نفری نادرگان باندانستن امبول و سم و دوا و بالاخره فاقد همگونی و سایل چه می توانند بکنند چانه هم در خطر استماعی عاجل فرمائید در ارسال نادرگان

و کمک های لازمه به بهداری نادرگان برای جلوگیری از این وضع خطرناک داریم

اهالی نادرگان هبه الرضا کاظمی عید مجرب اهدا این عید محبت به بهداری میهنی

مرحس عید الاموسو ی محمد کریم محمد کاظم یحیی کاظم موسی ارگانی قاسم

مشهد نژاد محمد بنوی نجف صادقی



## وزارت امور خارجه

خیلی فوری است

نخست وزیر

از سفارت شاهنشاهی در بغداد با عطف به تلگراف شماره ۱۲۲ سفارت به نخست وزیر  
تلگرافی بعنوان جناب آقای نخست وزیر رسید و اطلاع میدهند که وزیر امور خارجه عراق راجع  
به زیاد عدّه مسافری ایرانی که از کلیه مرزهای بین دو کشور از راه غیر مجاز و بدون گذرنامه  
به عراق میآیند مذاکره و اظهار داشته است که بیماری تیفوس با سرعت زیادی انتشار یافته  
و روز بروز شدیدتر میشود بطوریکه شماره مبتلایان فعلی و پنج هزار نفر عدد تلفات سیصد نفر  
است و تقاضا نموده است که برای مبارزه با شیوع این بیماری در کشور عراق دولت ایران بمامورین  
مرزی خود دستورات موکدی صادر نمایند تا بامامورین مرزی عراق برای جلوگیری از انتشار این  
بیماری در کشور عراق کمک و همراهی نمایند. مراتب بوزارت بهداشتی نیز اطلاع داده شد تا اندام  
مقتضی برای جلوگیری از سرایت بیماری بکشور عراق اتخاذ نمایند. ۲۰

معاون کل وزارت امور خارجه محمدعلی همایون جاه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

۲۲۴۰  
۲۲۰۱۰۲۸



شهرداری تهران

اداره ثبت اسناد

دایره

تاریخ ۴/۹/۱۳۲۲ ماه

شماره ۵۷۹۷ ضمیمه

۱۳۲۲

جناب آقای نخست وزیر

عطف بنامه شماره ۱۵۱۲-۲۲۸۲۲/۱۳۲۲ منضمین  
 رونوشت نامه شماره ۲۷۴۹۷ وزارت بهداشت در موضوع  
 یاشست بری اماکن - وسایط نقلیه وسایر اماکن مربوطه  
 بجلوتیری از میوه بیمار تیغوس معروز میدارد  
 شهرداری تهران اعتباری برای انجام این کار ندارد -  
 در این خصوص مراتب بوزارت بهداشت و وزارت کشور نیز اعلام  
 گردیده - تعاضلی متناهیات هم موجب از دست رفتن وقت  
 وبالنتیجه ایجاد مخاضاره برای اهالی خواهد بسود -  
 برای انجام منادور بطوریکه رسال که شتعمس شده نابدار رسال  
 جار نیز باید از محل بودجه دولت تمکبات لازم بعقل ایستد و  
 بوسیله دستگاه بهداشت و بهداشت است وزارت بهداشت که صلاحیت  
 اقدام لازم برای ایفقیل امور ارت محاضرات مرتعی کردن - و  
 هرگاه از طرف وزارت بهداشت در لوازم مورد نیاز با اختیار اکرم بهداشت  
 شهرداری تدارده شود برای اجراء منادور از هرگونه جدیت  
 پروتد ارتشمس و اشتراک مساعی بعمل خواهد آمد

شهردار تهران

شیرازی

۱۷۷ ۵ ۹  
 ۲۳/۹/۲۵

نوعه ۳۶۵

۱۳۲

روزنامه  
تلگراف  
۱۳۰۲/۱۲ سالانه



تلگراف

شماره کتاب

تاریخ وصول		توضیحات	عدد کلمات		۵۹۰	نیش شماره	از عباسی به ط
روز	ماه		تاریخ اصل	۱۱			
۱۲	۲						

ساحت مجلس شورای ملی رونوشت تمام نخبست وزیر رونوشت وزارت

بهداری رونوشت اداره تبلیغات و انتشارات رونوشت مهربایران

همانطور که در عرضیه تلگرافی چند روز قبل بحضر رسانیدیم متجاوز از دو ماه است بیمارانهای نیفوس و نیفوتید و گریپ در این شهرستان شایع شده هزار نفر بیمار در شهر موجود روزانه بیست الی سی نفر بچنگال مرگ و چهار فوت مینمایند سایر اهالی را هموما و حشمتفرا گرفته قادر به کاروانه نیستند پزشکی بهداری منحصر به یک نفر که قدرت هیادت پانزده هزار نفر جمعیت شهر را ندارد اگر برای دولت مقدور نیست چند نفر پزشکی موقتاً برای نجات اهالی از چنگال مرگ خوری بفرستند استدعا داریم به هزینه خودمان فوراً چند نفر پزشک اعزام فرمائید بازگانشان و اهالی عباسی شیخ عبدالله گله داری میرهاشم رفسنجانی فریدونسی

دستور  
بهداری  
شهرستان  
تلگراف  
۱۳۰۲/۱۲

رض بگوئی رضا گله داری

۳۵۰۰  
۱۳۰۲/۱۲

تاریخ

تاریخ ۱۳۲۲/۵/۲

شماره ۱۶۹۳



پست

دربار شاهنشاهی

سنت دربار

جناب آقای نخست وزیر

وزارت بهداشتی شرح جامعی حاوی اقداماتی که تا بحال برای مبارزه با بیماری تیفوس بعمل آمده و تذکر به نفس وسائل موجود و خطری که از این حیث بهداشت اهالی را تهدید مینماید بدربار - شاهنشاهی مرفوع داشته اند که اینک رونوشت آن لفا ارسال و در تعقیب او امر صادره سابق مجدداً بر حسب فرمان مطاع مبارک ابلاغ مینماید که لازم است دولت تاموقع باقی است و فرصت در دست میباشد با اهمیت موضوع و لزوم اتخاذ تدابیر جدی و فوری برای اطفاء این بیماری توجه کامل معطوف و در حدود امکان وسائل مالی و اختیار قانونی را در اختیار وزارت بهداشتی بگذارند تا هر چه زودتر بطریق اطمینان بخشی صحت اهالی را تامین و نگرانی که از این حیث موجود است مرفوع دارند .

دربار شاهنشاهی انتظار دارد نتیجه اقدامات را برای عرض به پیشگاه مبارک هر چه زودتر

اعلام فرمایند .

وزیر بهداشت شاهنشاهی

روزنامه "سنگین"

۱۵/۱/۲۲

شماره ۱۰۰۴  
تاریخ ۱۳۲۲/۵/۲



## دربار شاهنشاهی

رونوشت - نامه وزارت بهداشت

مورخه ۱۳۳۲/۳/۳۱

شماره ۱۲۰۳۸

- وزارت دربار شاهنشاهی - عطف بنامه شماره ۱۵۴۰ - ۱۳۳۲/۳/۳۳ متضمن رونوشت نامه فرستاده بجناب آقای نخست وزیر با استحضار میرساند .
- وزارت بهداشت در اوایل سال گذشته اهمیت موضوع شیوع بیماری تیفوس را پدید بینی نموده و همواره در حدود وسائلی که داشته و با موفقیت به تحصیل آن شده اقداماتی را بشروع خلصه زیر انجام نموده است .
- ۱ - برای تهیه یک میلیون دوز واکسن ضد تیفوس در سال قبل وسیله نمایندگی اداره تدارکات شرق میانه و نماینده اقتصاد دولتی شاهنشاهی در امریکای شمالی اقدامات لازم بعمل آمده و مرتباً هم تعقیب گردیده است ولی تاکنون بین آن پانزده هزار دوز واکسن تحویل نشده و این مقدار هم در مرکز و شهرستانها بمصرف تلامیح بزرگان و پرستاران و کسانی که بنا بوظیفه با بیماران تیفوسی تماس داشته و بیشتر در معرض سرایت بوده اند و یا مایل بوده اند واکسینه شوند رسیده است این هم در عین حال که سعی میشود بقیه واکسن مورد سفارش وصول گردد برای تهیه واکسن درینگاه پاسطور ایران نیز اقداماتی شده و چنانچه اعتبار کافی بوزارت بهداشتی داده شود ممکن است بر محصوالات روزانه آن افزوده و تاحدی رفع احتیاجات کشور را بنماید .
  - ۲ - برای جلوگیری از شیوع بیماری تیفوس در تهران وزارت بهداشتی در مرحله اول محتاج بمنفرد داشتن مبتلایان بوده است ، لذا بیمارستانهای شفا و نجات و هسنتی از فیروز آبادی و نیز بیمارستانهای رازی و گوهرنادر و قارابیه هم برای نگاهداری و معالجه بیماران مبتلایه تیفوس اختصاص داده شد و با اقداماتی که بعمل آمد بیمارستان یکپارچه تختخوابی دوشان تپه هم از ارتش انگلستان موقتاً برای بستری نمودن مبتلایان تیفوس تحت اختیار وزارت بهداشتی قرار گرفت و تاکنون قریب متجاوز از دویست نفر بیمار - بیمارستانهای نامبرده پذیرائی شده و شفا یافته اند .



## دربار شاهنشاهی

- ۳ -

رونوشت ..... با تأمین اعتبار کافی قبلاً وسایل عمل از هرحیت فراهم شده سپس از قانون مزبور در نقاطیکه  
مورخه ..... لازم است استفاده گردد .

شماره .....  
وزارت بهداشتی بدینوسیله مراتب را بعرض پیشگاه مبارک ملوکانه رسانیده ضمناً استدعا مینماید که چون -  
پیش بینی میشود در پاشیز و زمستان آینده بیماری تیفوس، با شدت بیشتری در کشور شایع گردد و اعتبارات غیر کافی  
و قلیل هم تأثیر مهمی در مبارزه ندارد و در نتیجه شاید خسارات غیر قابل جبرانی نسبت به نفوس و تمام  
شئون اجتماعی کشور وارد شود وزارت بهداشتی با توجه با وضع مالی فعلی کشور و در نظر گرفتن حد اقل -  
احتیاجات ضروری محتاج با اعتباری بمبلغ یکصد مایون ریال میباشد که سعی نماید برای تمام کشور ۷۵۰۰  
تخت جهت منفرد داشتن معتلا یان آماده و لا اقل معادل پنجاه امبولانس، بالوانم از برای انتقال بیماران  
و یکصد اتومبیل سواری یا کامیونت برای سرویس های گند زدائی و ساختمانهای ضروری حشره کشی و تهیه  
ادوات فنی و غیره حاضر نمایند تا موفق شود در حد اقل امکان اقدامات لازمه را بعمل آورد ضمناً نیز -  
باستحضار میرساند که ۷۵۰۰ تخت برای کشور در مواقع اپیدمی خیلی کم است و نسبت بتیفوس فقط یک در  
دو هزار برحمت برای تأمین پائین ترین حد احتیاج کافی خواهد بود .

موضوع دیناری که اهمیت آن در مورد مبارزه کمتر از اعتبار مالی نیست بلکه مقدم بران باید قرار گیرد  
اختیار و قدرت قانونی است که در موارد شیوع بیماریهای خایرو مهلك باید بوزارت بهداشتی اعلاء شود  
تا در نتیجه مقررات انضباطی خاصی وضع نموده و از تمام وسایل و وسات مأمورسات بهداشتی وزارتخانه ها و بینگاههای  
شهرداری و ملی و آزاد و خمریه و موقوفات و غیره و نیز از پزشکان و کلیه متصدیان امور پزشکی و داروشی  
اعم از مستخدم یا آزاد بتواند در حدود احتیاجات با رعایتهای لازم استفاده نماید بدیهی است با داشتن  
اعتبار و اختیار معروض بالا وزارت بهداشتی در سایه توجهات ملوکانه بخوبی موفق خواهد گردید که در املفا  
و جلوگیری از شیوع هر بیماری همه گیر در موقع مقتضی اقدام و بزودی نتیجه مذلولیه را اعلام نماید .  
در ضمیمه رونوشت شرحی که با فای دکتر میلیمبو راجع ببودجه وزارت بهداشتی ضمن شماره ۹۰۵۰ مورخه

۱۳۲۲/۲/۵ نوشته شده است برای استحضار ارسال میگردد . وزیر بهداشتی - امضاء



## دربار شاهای

- ۲ -

- رونوش ..... ۳ - چون بیمارستان یکم هزار تختخوابی دوشان تپه موافقتی بوده بناچار وزارت بهداشتی  
 مورخه ..... اقدام بشروع تاسیس بیمارستان پانصد تختخوابی نموده است که مقدمات آن فراهم و برای  
 شماره ..... رفع نواقص آن و یادار نمودن اعتبار کافی جهت نگاهداری آن بیمارستان شرح لازم وزارت دارائی و آقای دکتر  
 میلیسیو رئیس کل دارائی نوشته شده و نیز تقاضای تسریع گردیده است.
- ۴ - برای تاسیس سرویس گنذزدائی که شرط اول مبارزه بوده وزارت بهداشتی سه دستگاه اتومبیل میداده نفره  
 مامور تحت نظر اداره کل فنی قرارداد و لوازم گنذزدائی را با اختیار سرویس نامبرده گذارده و بناور کلی تاکنون  
 توسط مامورین وزارت بهداشتی ۲۱۶۵ دفعه و بوسیله بهداشتی شهرداری ۴۴۱ دفعه که جمعا ۲۶۰۶ دفعه میشود  
 برای گنذزدائی محل سکونت بیماران اقدام گردیده است.
- ۵ - مقدار ۱۶۴ دست لباس تهیه و بناور رایگان میتلابان فقیر و بی بضاعتی که در بیمارستان دوشان تپه بستری  
 شده اند داده شده است.
- ۶ - برای استحمام و نظافت مردم فقیر شماره ۶۵۹۴ بلبلحمام مجانی بجمعیت‌های خیریه شهرتاسیم شده است  
 که برای استحمام با افراد کم بضاعت بدهند.
- ۷ - دستورات لازم بهداشتی مبنی بر تدابیر مبارزه و جلوگیری از شیوع بیماری به وزارتخانه های مربوطه و  
 شهرداری تهران در هر موقع صادر گردیده و در حدود امکان برای انجام این منظور مراقبت‌های لازم شده است.
- ۸ - برای تکمیل وسائل واکسن سازی و توسعه بهره برداری کمک‌های در حدود امکان به بنگاه باستور عمل آمده است
- ۹ - در بیمارستان فیروز آبادی برای استحمام بیماران مبتلا به یفوس و نظافت البسه آنان اقدام بساختن حمام  
 و نصب یک دستگاه اتوو گردیده است.
- ۱۰ - در حدود وسائل و اعتباری که بوزارت بهداشتی داده شده مبلغی بتفاوت برای شهرستانها بنام مبارزه با  
 بیماریهای تیفسوس و تیفوئید ضمن ارسال واکسن و دستورات فنی حواله شده است.
- ۱۱ - برای مایه کوبی اجباری و جدا نمودن بیماران از نندرستان و انجام تدابیر بهداشتی که بدون تصویب  
 قانون مخصوص غیر قابل اجرا بود لایحه قانونی تفخیم و مجاس شورای ملی تقدیم گردید که البته لازم است